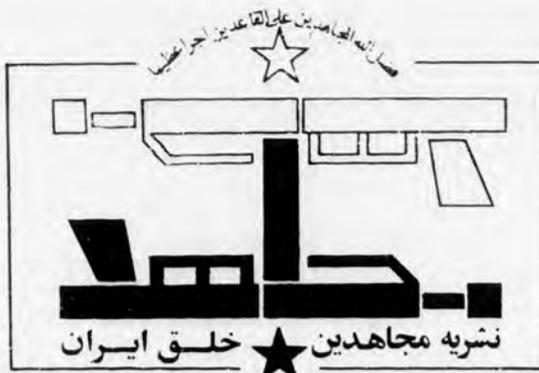


- ادامدی بازداشت غیر قانونی نمایندگان رسمی مجاهدین خلق - مرکز با بلسر
- مسلمانان بداند ساجدها سبند احد عزیزی
- مصاحبه‌ای با خانواده‌ی قربانیان فاجعه سینما رکس آبادان
- در سپهر سناها حدی می‌گذرد...!
- سوال از ریاست محترم مجلس شورای ملی



سال اول - شماره ۹۳ - شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۰ ریبال

چگونه ممکن است حزبی که در مسیر خود - گامگی و قدرت طلبی خود، رسالت اصلی اش را در قتل‌اندگیزی و دسیسه‌چینی علیه انقلاب و نیروهای انقلابی یافته است، بالاخره رسوا نشود و نقاب عوام‌فریبی و اسلام‌پناهی از چهره‌اش برداشته نشود؟ مگر آنکه بگوئیم کار این جهان بدون حساب و کتاب است.

پس وای بحال آنهایی که دین را وسیله‌ی دنیایشان ساخته و قیطان روی خون شهدا، روان است.

# متن نوارهای اول و دوم سخنان دکتر آیت عضو هیئت مؤسس، عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی

کیف طرحهایی که برای آینده‌ی ما ترسیم می‌شده است، آنگاه گردند. در این رهگذر همچنین ماهیت حریایی که در فاصله‌ی کمی از سقوط شاه شکل گرفت و از آن بعد سرنوشت خلق ستم‌زده ما را به بازی گرفت و تمامی ارزشهای مقدس را و جلال‌المالحمی انحصارطلبی - هایش نمود آشکارتر خواهد شد. در صفحه‌ی ۴۰۳ و ۵

برحوردار است. از این رو لازم امید که با بررسی همه جانبه دیدیم متن این دو گفتگو را که دقیق آن مردم ما از علق مجامعی تاکنون افشا شده نقل کنیم به این که برای من مینب گذشته و نیز از کم و

از بسیاری حریمات گذشته و طرحها و نقشه‌های آینده در مورد جامعه‌ی ما برمی‌دارد. از اهمیت و بزرگی

عضو مؤسس، عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی (صرف نظر از سابق سیاسی اش) برده

آنچه در زیر می‌خوانید متن پیاده شده‌ی دو مورد از گفتگوهای دکتر آیت است که در روزنامه‌های چهارشنبه و پنج‌شنبه هفتگی پیش‌تخت عنوان نوار اول و دوم سخنان او منتشر شد.

از آنجا که صحبت‌های دکتر آیت به لحاظ موقعیتش به عنوان

## در حاشیه‌ی استعفای سرپرست رادیو تلویزیون حکومت ایلخانی در رادیو

• "ایلخانان" رادیو به سلطه‌ی خود دلخوشند و فکرمی‌کنند که هر مزخرفی را می‌توانند در پوشش صدای جمهوری اسلامی به خورد مردم بدهند!

خود را برای شرکت در بحث می - خواهم عنوان کنم، انسان مجدداً گفتند که هنوز جنس دعوی که با اطلاع اسان صورت گرفته باشد، انجام شده ...

و در همانجا مندرک شدیم که: آقای دکتر فراحی که خود نیز بقیه در صفحه ۲

... اولاً - رادیو هرگز با کون حاضر نشده است که حواسی که همراه با نهایت فرصت‌طلبی و مجاهدی را در برابر سیاسی‌های سیاسی‌ها بکار برده، در سطبات دارودستی منکوکمی که مجاهد شماره ۹۲ تحت عنوان "سئول خودبری‌های رادیو کیست؟" ناماً - در بیان محدودی که با از قول سخنگوی مجاهدین حسن نقل کردیم:

در رابطه با دعوت مجدد رادیو از مجاهدین برای مناظره‌ی رادیویی کون حاضر نشده است که حواسی که همراه با نهایت فرصت‌طلبی و مجاهدی را در برابر سیاسی‌های سیاسی‌ها بکار برده، در سطبات دارودستی منکوکمی که مجاهد شماره ۹۲ تحت عنوان "سئول خودبری‌های رادیو کیست؟" ناماً - در بیان محدودی که با از قول سخنگوی مجاهدین حسن نقل کردیم:

در فاجعه‌ی حمله‌ی انجمن جوانان مسلمان تربیت حیدریه و منازل هواداران چماقداران ارتجاع روی اقوام و حشی مغول و تاتار را سفید کردند!

گزارشی از دیدار خانواده‌های مصیبت‌دیده‌ی تربیت حیدریه با برادر مجاهد مسعود رجوی بدینال تهاجمات وحشیانه‌ی

## استمداد از امام

آن چه در زیر می‌خوانید قسمت - هایی از چند نامه است که به وسیله‌ی عده‌ای از خواهران هوادار سازمان در آراک به محضر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، نگارش یافته است. در این نامه‌ها خواهران ما به شرح ماحزای یکی از بدست‌ناترین و بیش‌رمانندترین موارد چماقداری‌های اخیر که مربوط به واقعه‌ی حمله‌ی اوپاش به "انجمن دانش آموزان مسلمان آراک" می‌باشد، پرداخته و هتاک‌ها و صرت و جرح‌هایی را که طی حمله‌ی وحشیانه به این انجمن در تاریخ ۳۰ اردیبهشت، نسبت به آنها روا داشته شده، بر شمرده‌اند. خواهران مصدوم ما در نامه‌های خود به پیشگاه امام دادخواهی نموده و از ایشان تقاضا

آن چه در زیر می‌خوانید قسمت - هایی از چند نامه است که به وسیله‌ی عده‌ای از خواهران هوادار سازمان در آراک به محضر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، نگارش یافته است. در این نامه‌ها خواهران ما به شرح ماحزای یکی از بدست‌ناترین و بیش‌رمانندترین موارد چماقداری‌های اخیر که مربوط به واقعه‌ی حمله‌ی اوپاش به "انجمن دانش آموزان مسلمان آراک" می‌باشد، پرداخته و هتاک‌ها و صرت و جرح‌هایی را که طی حمله‌ی وحشیانه به این انجمن در تاریخ ۳۰ اردیبهشت، نسبت به آنها روا داشته شده، بر شمرده‌اند. خواهران مصدوم ما در نامه‌های خود به پیشگاه امام دادخواهی نموده و از ایشان تقاضا

## سوال از دادستان کل انقلاب

درباره‌ی بازداشت غیرقانونی اعضای انجمن میناق

چرا دادستانی انقلاب تا این ساعت هیچ اقدامی در جهت آزادی ۱۶ تن از اعضای انجمن جوانان مسلمان میناق، که در جریان حمله‌ی وحشیانه‌ی شان منطقه‌ی ۱۲ به ساختمان انجمن در ساعت ۳/۵ نیمه شب، و بدون در دست داشتن حکم دادستانی و پس از ایراد ضرب و حرحهای متعدد، دستگیر شدند، بعمل نیآورده است؟ آیا سکوت و بی‌تفاوتی شما در قبال این دستگیری غیرقانونی و عدم رسیدگی به شکایات متعدد مربوطه، مفهومی جز همنوائی با اقدام غیرقانونی و غیراسلامی کمیته‌ی مزبور می‌تواند داشته باشد؟

سر مقاله:

# عقوبت و عبرت

"و اذا الصحف نشرت...": و آن گاه که نامه‌ی اعمال گشوده شود.

(تکویر ۱۵)

"یوم تبیض وجوه و تسود وجوه...": روزی که چهره‌های سفید و رو‌های سیاه شوند...

(آل عمران ۱۰۶)

در جریان انقلاب و مشخصاً پس از پیروزی قیام و سرکشی رژیم شاه حزب بازی و حزب سازی یکی از پدیده‌هایی بود که در عرصه‌ی سیاسی این مبین رخ نمود. در جو و فضائی که به قیمت خون دهنها هزار شهید بدست آمده بود. در شرایطی که دیگر از ساواک و پلیس و ارتکابهای احتیاجی و سرکوب شاه خبری نبود و در نتیجه حزب و تشکل برآه - انداختن هم بهای چندانی طلب نمی‌کرد، احزاب و گروه‌هایی یکی پس از دیگری شکل گرفت و اعلام موجودیت نمود. هر حزب و گروهی سعی نمود که در صحنه‌ی سیاسی جامعه تا حائلی که می‌تواند ترض اندام و ابرار وجود کند. و در این میان حزب جمهوری اسلامی ما در دست داشتن تقریباً تمامی اهرسهای قدرت در جامعه عملاً بصورت حزب حاکم درآمد و صحنه‌ی سیاسی جامعه را میدان تکرارهای خود گردانید...

البته بدیهی است که تشکل و تحزب بودی خود هیچ عیب و ایرادی ندارد اما آنچه که مهم است انگیزه‌هایی است که حزب و تشکلیات بر اساس آنها بنا می‌شود و راهی که در پیش می‌گیرد. عاقبت و سرانجام کار هر حزب و تشکلیاتی را هم همین انگیزه‌ها و عملکردهاست که تعیین می‌کند. هر پدیدهای و منجمله هر حزب و تشکلیاتی نیز از خلال همین عملکردهاست که ماهیت وجودی خود و واقعیت‌انگیزه‌هایش را آشکار می‌سازد و سرنوشت خود را رقم می‌زند و بسا که پند و عبرتی بقیه در صفحه ۲

## سوال از دادستانی کل انقلاب درباره‌ی نشریه‌ی منافق

چرا با آنکه ما برخی اطلاعات لازم را در مورد منافق افشا نمودیم و منجمله کارگردانان اصلی و پشت پرده و نیز عاملین اجرایی و یا چاپخانه‌ی آن را معرفی کردیم، دادستانی کل انقلاب انتشار غیر قانونی این نشریه‌ی ضد انقلابی را به دیده‌ی اغماض می‌نگرد. آن عم در شرایطی که مطابق همین قوانین موجود (که علی‌القاعده می‌بایستی از طرف دادستانی محترم شمرده شود) وزارت ارشاد ملی انتشار آن را رسماً غیر قانونی اعلام کرده است.

امیدواریم دادستانی انقلاب و سایر مقامات مسئول به این وظیفه‌ی خود بذل توجه نمایند تا نگویند...



دربی انتشار نوار اظهارات دکتر آیت در مطبوعات کشور، عصر چهارشنبه خبرگزاری پارس ضمن تناسی نظر برادر مجاهد مسعود رجوی را در این رابطه حویا شد.

متن زیر پاسخ برادران ما به سوال فوق می‌باشد که ذیلاً بنظر کامل نقل می‌شود.

## پاسخ برادر مجاهد مسعود رجوی به سوال خبرگزاری پارس در رابطه با اظهارات دکتر آیت

به نظر من هرگز نباید به این وانمود کند، ابعاد آن را تنها به یک مسأله حیده‌ی فردی داد و چنان‌که فرد تنها حیم بود. حیر، هرگز جریان خود آقای آیت می‌خواهد جنس نسند. چرا که حریمات

## توجه!

تاکنون مقالات ابدنوب - لوزیک را روزهای پنج‌شنبه و شنبه چاپ می‌کردیم. لکن به علت نزدیکی فاصله و پشت سرهم قرار گرفتن این دوروز، از این پس، این مقالات روز - های پنج‌شنبه و دوشنبه از نظران خواهد گذشت. بنا بر این مقاله‌ی "مردم‌گزائی توحیدی و مردم‌گرائی میندل" را در این شماره چاپ نکردیم و در آینده نیز روزهای دوشنبه چاپ می‌شود.

از رجاعی و نادرست، بسوسد آمادگی دارند، ما در لحظات اضطرار یک سفر را درست سبک می‌بند، سراسی نجات کل خرسنان قربانی بقیه در صفحه ۲

# عقوبت و عبرت

بقیه زصفحه اول

برای دیگران می‌گردد. البته این "سروش" و "عاقبت امر" بر اساس انگیزه‌ها و مبانی اتخاذ شده و در پی "عملکردها"ی ناشی از آن بطور جبری و محتوم تعیین و مشخص می‌گردد و هیچ گریزی هم از آن نیست. ماهیت‌ها بهرحال بروز می‌کنند و با هیچ سیاست بازی و ملاحظه کاری و مخفی کاری نمی‌توان نهایتاً از آن جلوگیری کرد. و بدین ترتیب در پهنه حرکت اجتماعی هر دسته و گروهی به نتیجه‌ی اعمال خود رسیده و پاداش یا عقوبت عملکردهای خود را می‌چشد و این مشیت خدا، حکم تاریخ و منطق محتوم حرکت جامعه است. "الم یا تکلم نبوا الذین لغروا من قبل فذاقوا وبال امرهم و لهم عذاب الیم" (تغابن آیه ۵).

در رابطه با حزب جمهوری اسلامی نیز تاسیس و برآمدن آن این حزب بخودی خود نمی‌تواند مورد ایراد و ملامت باشد. گرچه همیشه جای این سوال باقیست که چرا موسسین و پایه‌گذاران عمده‌ی این حزب (این مدعیان انحصاری خط امام!) قبلاً یعنی در زمان رژیم سابق و بخصوص بعد از خرداد ۶۲ و تبعید امام به فکر ایجاد تشکیلات نیفتادند و حزب و سازمان و گروه تاسیس نکردند؟ اما مسأله‌ی مهم در اینجا نیز توجه به عملکردها، انگیزه‌ها و علل وجودی این حزب و جریانی است که در مدت موجودیت چهارده‌ماهه‌ی خود طی کرده و موقعیت و وضعیتی که اکنون بدان دچار شده و سروشتی که در پیش دارد چرا که به قول شاعر:

کاین هنوز از نتایج سحر است.

البته باز مهم این نیست که حزب جمهوری خود در چه وضع و موقعیتی قرار دارد و به کجا می‌رود بلکه مهمتر این است که این حزب (با توجه به موقعیتش) در این مدت با جامعه و مردم، چکار کرده و قصد دارد این جامعه و مردم را بکجا ببرد؟

اکنون ۱۶ ماه از پیروزی قیام بهمن‌ماه و تقریباً ۱۴ ماه از موجودیت حزب جمهوری اسلامی می‌گذرد و در این مدت چنانکه گفتیم این حزب در واقع جبروت حاکم درآمده و بنا بر این نقش و تاثیر تعیین‌کننده‌ی در جریان امور ایفا کرده است. نقش و تاثیر که غالباً و عموماً بازدارنده و منفی و حتی ویران‌کننده بوده و تنها و تنها یک خط و هدف را دنبال کرده است: "قدرت جوشی انحصارطلبانه".

در مدت ۱۶ ماه این مردم و این مبین از ناراضیها، ناامنیات و حوادث جانگسار رنج بردمانند که عموماً از عملکردهای آشکار و پنهان همین حزب ناشی می‌شود. و تازه معلوم نیست که در ادامه‌ی این جریان ملت محروم و خلق ستمدیده‌ی ما چه تاوان و بهای سنگینی باید بپردازد. اینک با فاش شدن پارامیترهای اظهارات پنهانی دبیر سیاسی حزب حقایق چندی برای مردم روشن شده است. البته ناگفته نماند که فقط گوشه‌ای از پرده کنار رفته، با اینهمه حقایق آشکار شده، چشمگیر و قابل توجه است و می‌تواند مردم را به کانون واقعی فتنه و فساد و توطئه رهنمود شود و روشن گرداند که چه دست‌هایی در پشت پرده‌ی ناپاکیها و ناآرامیها از انقلاب فرهنگی کدانی گرفته تا چاقوکاری و تا ممانعت از ثبات سیاسی کشور مشغول فعالیت بوده و میباشد و البته باز هم این هنوز از نتایج سحر است.

اینک بدیهی است که حزب دچار دردر و موقعیتی ناگوار و بحرانی شده و به انحنا، مختلف سعی می‌نماید خود را از این مضمخه برهاند. فردی کردن ساله و احیاناً قربانی کردن یک نفر (دبیر سیاسی حزب) و یا به میان کشیدن پای طرف ثالث و گویند آن و بدینوسیله انظار و افکار را از این مسأله منحرف و منحرف نمودن و به جانبی دیگر متوجه کردن، پیش‌پا افتاده‌ترین روش است. اما به فرض که حزب در این امر موفق یا ناموفق بشود چندان مسأله‌ی حل نخواهد شد باید به همان مبانی و پایه‌ها توجه نمود و به چهارچوبی که حزب در درون آن سیر می‌کند. در چهارچوب انحصارطلبی، قدرت‌مدارانه، منافع جامعه و انقلاب و فدای منافع فردی و گروهی کردن، ضدیت با نیروهای انقلابی و توطئه‌ی مدام علیه آنها را مایه‌ی حیات و حرکت خود قراردادن، برای رسیدن به هدف هر وسیله‌ی را مجاز شمردن و در پیش گرفتن روش زور و تزویر... با حرکت در چنین چهارچوبی این وضع (وضع کنونی حزب) فقط یک عقوبت است و عقوبتهای بیشتر در پیش مگر اینکه عبرتی گرفته و چهارچوب حرکت را از اساس تغییر دهند اما افسوس که به قول امام علی علیه‌السلام: "ما اکثر العیرواقل الاعتبار"! عبرتها چقدر زیاد و عبرت گیرنده چقدر کم است.

# حکومت ایلخانی در رادیو

بقیه زصفحه اول

از انجام این گونه اعمال خودسرانه در رادیو فوق‌العاده ناراحت می‌نمودم در برابر این سؤال ما که پس تکلیف مجاهدین با این دعوت نامهای مکرر رادیویی و سیاسی‌های ضد انقلابی چیست و چه باید کرد؟، سکوت اختیار نموده و گفتند که مواضع خود را در قبال وضعیت موجود در رادیو-تلویزیون بعداً در برابر ریاست جمهوری روشن خواهد نمود... هنوز چند ساعتی از این نقل قول نمی‌گذشت که روزنامه‌های عصر چهارشنبه از استعفا‌ی سرپرست رادیو-تلویزیون خبر دادند، سرپرستی که با نامیبند امام این مسئولیت را عهده‌دار شده بود.

اگر چه نفس این استعفا در اوضاع و احوال کنونی حتی بدون هیچ توضیحی نمی‌توانست، مؤید حقایقی باشد که به‌ویژه در رابطه با رادیو مطرح می‌گردد، اما متن استعفا-نامه‌ی آقای فراخی به‌وضوح پرده از حکومت ایلخانی در رادیو برداشت. بهتر است عین استعفا‌نامه را بکار مرور کنیم:

## متن استعفا نامه‌ی سرپرست رادیو-تلویزیون

بسم‌الله‌الطیم‌الخبیر  
مقام محترم ریاست جمهوری  
جناب آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر!  
با قبول مسئولیت اداری و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بسیار کوشیدم، که اهرم‌های لازم را برای شروع کار و به‌محرك انداختن چرخ سازمان، جمع‌آوری و به‌مرکز هدایت-کننده مصل نامیم، ولی از آنجا که عموماً "هرکدام از این اهرم‌ها در اختیار مرکز قدرتی بود که در درون

## مشت عوا مقریان بازمی‌شود

از من استعفا‌نامه‌ی فوق‌جسین برمی‌آید که همان محافل انحصارطلب که رادیو را ببول انحصاری خود و میدان ناخت و باز علیه مجاهدین کرده‌اند، حنا عرصه را منبر سرپرست رادیو - تلویزیون سنگ گرفتند که او مجبور به کارگیری شد.

البته صدک می‌گویم که با آنجا که به اطلاعات و معلومات ما مربوط می‌شود، هیچ انهایی در ماهیت تعاضب مرجع رادیو وجود نداشت، چرا که از نبل می‌دانسیم در همین این مسیاهی‌ها نورجسی‌ها و نظهرت جرم و همچنین لگرافی که برای رئیس-جمهوری مخایره کرده‌اند، نسبت به دستگیری بی‌دلیل و شکنجه‌ی فرزندانشان توسط هادی غفاری اعتراض کرده و خواستار رسیدگی فوری مقامات شده‌اند.

علاوه بر این طی تاسیهای که از طرف مجاهدین خلق ایران - ناحیه‌ی مازندران با مقامات استان، از جناب آقای استاندار و معاون سیاسی ایشان گرفته شده است، آنها گفته‌اند که در مورد روشن شدن وضع محسن قانمی و یوسف بابانیا تلفنگرامهایی به دادستانی مازندران فرستاده‌اند در تماسی که با آقای طباطبائی دادستان کل مازندران گرفته شده ایشان نیز گفته‌اند که در مورد رسیدگی فوری به این مسأله نظرات خود را به دادستانی کل انقلاب اسلامی در

کندگان وابستگان دربار شاه دنیا دست دارند، همچس در این هم بردیدی ندانسیم که برنامه‌های ردیلائی رادیو بر علیه مجاهدین، وابستگانی‌های حرب معلوم‌الحالی است که هر ندای برفیخواهانه موجود بوسه‌دها برانهدید میکند... اما مجاهدین نمی‌توانستند در برابر عواقریبی‌های سنی مرتجع انحصارطلب ساکت مانند. گو این که "ایلخانی" رادیو به سلفی خود دلچوس بودند و فکر می‌کردند که مخرخری را می‌توانند در بوسه‌ی صدای جمهوری اسلامی ایران یک جانبه به خورد این مردم بدهند و هر جنابت و حیاسنی را به اسم اسلام مرتکب شوند! آخر آنها برای عواقریبی، سنا روز سرمایه‌گذاری می‌کردند، آن هم در اعنایی که هر ارازی و حقیقی به سادگی لوت و میسبل می‌نود! با وجود این ما بقین دانسیم که با کار موصیخی ما و انضای حقایق برای مردم (البته همرا با صبر و تحمل انقلابی)، ناآخرد بردها کنار رفته و منت عواقریبان باز-خواهد شد...

استعفا‌ی اجباری سرپرست رادیو-تلویزیون (در کنار سایر استعفا‌ها) نس از بس این ساله‌ها بر روس کرد که مسلک جامعه‌ی ما- بر حلافت سیاسی‌های رادیو-مواقع مجاهدین نیست؛ بلکه تودرت ظنی، انحصارگری، کارکنی و در جوهر همدی اینها، خوات و خیال‌های بوظنه‌گرانی مرجعینی است که در پایمان در هر فتنه و فساد که در جامعه‌ی ما می‌گذرد، قابل بی‌گیری است: همانجا که مجاهدین با دشمن اصلی می‌دانند اما در عین حال با هر فرد یا نهاد دیگری هم که در برابر انحصارطلبی آنان مقاومت کند حسومت می‌ورزند تا آن که آن را از سر راه بردارند! و باسف‌آور این که

# ادامه‌ی بازداشت غیرقانونی نمایندگان رسمی مجاهدین خلق - مرکز بالسر

بازداشتهای غیرقانونی، و همچنین شکنجه‌ی بازداشته‌گان، را می‌دهد. مقرانین اسی صرحا شکنجه‌ی بازداشته‌گان را غیرقانونی دانستند. چرا علیرغم تذکر اساسی از مازندران، معاون سیاسی ایشان و همچنین آقای طباطبائی دادستان کل مازندران مسأله رسیدگی به بازداشته‌گان غیرقانونی این برادران در دادستانی کل انقلاب اسلامی تهران منوط می‌ماند؟ اگر این برادران به راسی منتهم هستند و دادیل و مدارکی علیه ایشان وجود دارد، پس چرا هیچکس رسا اتهام آنها را ابلاغ نمیکند آیا "زندان انقلاب" برای این وجود آمده است که نمایندگان رسمی یک سازمان سیاسی را بهنگام مذاکره دستگیر، شکنجه و سپس بدون هیچ گونه دلیلی در این "زندان" درحال بازداشت نگه دارند؟

بیش از سه هفته از دستگیری غیرقانونی محسن قانمی و یوسف بابانیا می‌گذرد. این برادران که در روز جمعه ۳/۹ بعنوان نمایندگان رسمی مجاهدین خلق ایران - مرکز بالسر برای مذاکره با دادستان این شهر به مقر سپاه پاسداران رفته بودند، پس از مذاکره و درهنگام بازگشت، توسط هادی غفاری دستگیر و سپس توسط شخص ایشان در مقر سپاه آمل و در بین راه مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار گرفته و در روز شنبه ۳/۱۰ به زندان اوین تحویل داده شده‌اند. از آن تاریخ تاکنون علیرغم مراجعات مکرر خانواده‌هایشان و همچنین نمایندگان مجاهدین خلق ایران - ناحیه‌ی مازندران با مقامات، همچنان بصورت بلا تکلیف در بازداشت نگه‌داشته شده‌اند.

من دحری هشتم که در مشرفی عالی علوم اراک مشغول تحصیل هستم و تازه به ارزشهای اسلام بی‌برده و هوادار ساده‌ی سازمان مجاهدین هستم. جندی بیستی عددهای با شعار "حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله" با جوب و حماق و برنات سنگ و سرفاهي به انحصس اراک، حمله کردند و من نیز مورد حمله قرار گرفتم...

منافق! را باید... اراک - (الف. س.) پدر بزرگوار حضرت آیت‌الله! در جریان حمله‌ی چاقوکاران به ما در اراک، حتی جادر مادرهایی را هم که برای کمک به فرزندان آمده بودند، از سر آنها کشیدند و با کمال بی‌شرمی، گفتند: که در محل انجمن دانش‌آموزان مسلمان اراک قریص-صد بارداري پیدا شده! آخر این شکایتمان رابه‌کجا ببریم؟ چگونه است که ما هم در نظام پهلوی در معرض نهاجمات این اوباش چاقوکار بودیم، و هم در نظام جمهوری اسلامی؟! اراک - (ف. ق. ۰) خدمت پدر عزیز و گرامی! هنگامی که به انجمن دانش‌آموزان مسلمان اراک حمله کردند، بهمانهایی نثار ما کردند که از بازگو کردن آنها شرم دارم، ولی اگر به شما بگویم پس به‌چه کسی باید بگویم آری، پدر! ما را قاحنه خطاب می‌کردند!

# استمداد از امام

کشور اسلامی یک مرد باید این اجازه را به خودی بدهد که به نام هواداری از اسلام جادر از سر زن مسلمانی بکشد؛ استمداد من از حضرت امام اینست که هرچه زودتر بیانهای صادر نموده و از طریق رادیو تلویزیون این اعمال را محکوم نماید.

اراک - (الف. ص.) پدر بزرگوار امام خمینی،

اراک - (الف. ع.) سلام، ای پدر - سلامی

بقیه از صفحه اول

# متن نوارهای اول و دوم سخنان دکتر آیت عضو هیئت مؤسس، عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی

بنی صدر

هوچی گری می کند!

مقدمه صحیحیت

اصولا فرار شده ماسینها را از ساعت ۱۰ به بعد بگردید. مخاطب: گفتم بنی صدر بر آمدن ۹۶ آمریکائی به ایران... آیت: بنی صدر هوچی گری می کند. آمریکا چند نفر را فرستاده اخراجی ندارد. از کجا فهمیدند! چون آمریکا به آنها لقب کردند! چون ما که دستگاه خصوصی نداریم... از کجا می فهمید که آنها چند نفر فرستادند اگر بنا باشد دستگاه جاسوسی فلسطینی ها، عربها... با احبانا سواری خبر دهند کف آنها مسقیم حودشان خبر می دهند. این حرفها که بنی صدر می زند سخنگاه است.

برای جریان دستگاه بعد از ۱۴ خرداد همین حرفها را می زدند می خواهند را با نصفه کنند. مجاهدین... فلان پنهان برای این که دست بالا را داشته باشند. در حدود ۶۰ و چند گروه مسلح-دولتی در ایران است بول پنهان می دهند. سکه ها نام منظم است. ( درباره ی شخص ارسیها برای برتن به کردستان می گوید: ) نه به خاطر کردستان، بلکه به خاطر تل آمدن امنیاست ( این شخص )

اصل مطلب

این تصمیمی که گرفته ایم همین اخراج می خواهد بیاده شود این چیزی است که اگر خواهد به دانشجویی خبر داده نبود و برمه نبود فوری حریف می نمود و آن که باید برود روسی یکدفعه می زد یعنی باید بگوشه اعلام شود و بعد شروع کنند دانشگاهها و اینها روش سلطنت کردن و سر و صدا راه انداختن گاهی اوقات عکس است بالا رفته ندارد و باید از بانش و می گوئیم آقا شما شروع کنید فلان سئاله را عنوان کردن، آن دانستگده و آن دانستگده عنوان می کنند آیودت بر اساس خواست مردم به اصطلاح خودشان اینها این چیز می خواهند و تصمیم بگیرند سده به نوع تصمیمات در انقلاب فرهنگی هردوی اینها هست این که

الان اسادهای غیراسلامی باسستی نصفه نبود این زوجهای است که باید از بانش سر و صدا بس بلند نبود. ما اسناد غیر اسلامی نمی خواهیم برود یکجای دیگر کار کند بعد آن تصمیماتی که جکار بگیریم، یک دانشجو در عرض این مدت که دانشگاه ظاهرا تعظیم است عملا که تعظیم نیست یا آدم بی رود بوی روستاها و یا کارهای دیگر آن را یکدفعه بالا تصمیم می گیرد و بانش شروع می کند بر و صدا راه انداختن می خواهیم و نایب کردن و... این بسته به نوع ماهیت جبهه است که ما اینجا تصمیم می گیریم هر دوش هم لازم است. دانشگاهها، چون دانشگاه جوانان را به خصوص دبیرستانها را شما باید شروع کنید به کنترل کردن، برید درس بدهید بحث کنید (هر دبیرستانی دو نفر) دانش آموزان را حوزه بندی کنید همان طور که آنها می روند شما هم باید بروید. آنها را هم شروع می کنید در کارنامه مشکلات ایجاد

کردن، نمی گذارند ببینید آنجا کمونیستها که مطلقا، می ماند مجاهدین که عنوان اسلامی دارند به خودشان، آنها عملا خلوتشان را می گیرند و نمی گذارند این طور اسلام را به این برینس...

چگونگی

پایه کردن طرح

ما به چه شکل، این باید یک هفته یا دو هفته و باید هم بعد اعلام شود یا چند روز قبل. منضم است که امام در رسنه کار با تراز بگیرد. ... یک ساله ای است که امام یک نامه نوشته بود... حالا اگر این نامه را برای بنی فراحی نوشته بود بعد است بایگی دیگر نوشته بود، بنی فراحی جزو بنی صدر است و آدم کاری نیست اگر امام این نامه را نوشته باشد یک معنی می دهد اما اگر یک کسی دیگر نوشته باشد نوش گوشت و کتاب زیاد است.

ضدیت با بنی صدر

(در مورد گفتمی بهشتی در روزنامه) بنی صدر در کل، نظرش با من است ( منظور صدیق است) اول کار که این جریان شروع شد دیگر بهشتی یا خامنه ای یا دیگران (بی- بهشتی که اینها آدم های بنی صدر است که می نویسند در خط امام است و حتی مدتی را فکر می کردند در این خط است بنی صدر حبیبه طی... اولین کسی که از نظر از انقلاب و حالا بنی صدر از موقع انقلاب صریحا این مسائل را عنوان کرد که اینها خط امام نیستند و اینها جدا هستند و شما نمی توانید با اینها یکسان عمل کنید.

حتی موقعی که داشتم حزب جمهوری را علنا پایه گذاری می کردم قبل از انقلاب خوب اینها فکر می کردند بهمان، بازگان، بنی صدر، سخجایی، مدنی همه نایل همگاری هستند حتی مطرح می کردند حاج سیدجوادی... من از همان اول فهم اینها نمی توانست با شما همکاری کنند اگر دعویسان کنید به همگاری، بنامند کار را از دست شما می گیرند و خراب می کنند و نمی گذارند، ولی اینها نایل فهم نبود سالها به بدبوی که یک مقداری آدمیم پیش برای اینها روسی شد می فهمند حاج سیدجوادی کی هست... خود حریف هم، بنی صدر و اینها می رسد بگوشتان، یکسال پیش دو سال پیش ما اینها را گفتم سبغه حریفش کی هست، یعنی کی میشناسه (بنی صدر... ) چه خطی دارد، این بود که از همان اول هم سیاستش این بود که من را بگویم حزب هم روی همان خطی که می گویم البته نا حدی فرار گرفته و شناخته که بنی صدر کیه، مدنی کیه دیگران کی اند. اینست که خواه و ناخواه حزب هم مطرح می کند ( بنی صدر به عنوان جناح مخالف) اما باز فضا را زیر سر من می دانند. دقیقا همه جا هم مطرح کرده،

راست هم میگه چون خشن را من نشان دادم.

القاء فکر ضد

بنی صدر با توسل به انواع دروغها

این بنی صدر تو حبیبه طی دوم است و اسلامی هم فکر نمی کند. بنی صدر حرو حبیبه طی دوم بود با همین هدایت الله سین دنتری، ناهنجاری و به ناهنجاری با ۱۵ خرداد ۴۲ به نوسمای نه کلایی نه حمایت از حبیبه... بنی صدر دو سال قبل از انقلاب ناهنجاری بنی صدر با تراز بگیرد... بنی صدر (منظور بنی صدر و حبیبه طی) می گفتند آنا منصف دینی است گروه های سیاسی را شخص نمی دهد، اینها در بنه دانست یک نقشه این که همان بلائی که بر گاشتی آوردند بر حبیبه می آوردند یک نامزد جلوی حبیبه که بنواستند... ظالمانی هم که برد...

حالا بنی صدر... نه فکر این هستند که اگر سه کسی را باری می گویند امام که می خورد بنی صدر بنامند قدرتی پیدا کند و یک محویتی پیدا کرد و یک سیاسی بین مردم دانسته باشد که امام بنی صدر را می خواست. امام به بنی صدر رای داده و... یک نامه بنی صدر امام بنی بوشه کلی، امام بنی بوشه توانست می شود این ساجدی آن سعوزد حربه که می گوید حالا که امام با اخبارات بود کدام اخبارات! شناده است: ۱- مادهاست اینست که محسب وزیر را توانست امام معین شود، یعنی شورای انقلاب باید توانست بگند امام باید توانست محسورس، باهاش رو کرده بوی کفست همین که این فلان است... بهمان است و چه کار کرده و این چیزها، مردم آواز آمدند به این رای دادند، آن انتخاب شد، حالا آمده بنی صدر تلاش می کنه انتخابات را باطل کند. باطل کرد حتی شورای انقلاب هم پذیرفت. دوباره انتخابات نبود، همان می شود حرفی نوتی نیست. اینها آمده اند در خانه ی ریاست جمهوری و دفتر شورای انقلاب و اعتراض، تمام مدرسه های جمع شده اند آنها در خانه امام آن وقت وقتی در میان دعوا نرخ تعیین می کنند، "اصل با خود شما مردم می دانیم" اگر مجلس هم کج رفت... فردا می زدن تو ذهنش تو چه کارهای نوشت روزنامه که تو چه کارهای مجلس همه گاره است آنها که مستقیم به مردم مراجعه می کنند، مجلس همان کاری که مصدق کرده نه، این دست و پای بی خودی است، داره (بنی صدر) می زند.

کسی را به خاطر عقیده کنار نگذارند این (حبیبی) می گوید همه که غیر- اسلامی هستند بریزند بیرون... حتی حالا اگر این هم باشد با یکجا بعد که مجلس تشکیل شود تا بون ایی را نمی تواند ندیده بگیرد قانون اساسی می گوید ۳ نفر باید در رأس رادیو تلویزیون باشند. یکی از طرف مجلس - نصابه - حربه - امام هم اشاره کرده بود که رادیو - تلویزیون نباید زیر نظر همجنس باشد مستقل باشد. ما خط و بنه را خواندیم.

خود اربابش هم دستور داده که به آیت سوب چون می دانند چه باندند چون دیده که من خشن را از جلوی تو گتم، گتم که بنی صدر این است. و همین طور هم شد معنی الان این آخرس سپهرای است که ظاهرا پسند رشتن محبور... چون اسکار عدل دست محله باز سالد مجلس است.

رئیس جمهوری اختیار ندارد!

اگر آن پیش نویس را که آنها (سجایی و...) درست کرده بودند اگر آن تصویب شده بود، اصلا انقلاب از بین رفته بود. رئیس بنی صدر رئیس جمهور بود و اولین جمهور منم همه گاره، هم می توانست مجلس را منحل کند، هم دادگستری قضاس را این منصوب می کرد، هم ارتش را زیر فرماندهی دست، همه چیز زیر نظرس بود، با بوی این قانون آدمیم، فرماندهی کل قوا را داده ایم به رهبر، اگر آن نباید آن را نمانده ی خودی کنه، این اصیل نیست، هر وقت خواست می تواند ارس بگیرد، اخبارات کامل را هم که دادیم به مجلس، رشتن جمهور فقط می تواند سداد بدهد و سداد بگیرد و سعوا را به حضور بیدرد و السلام هیچ اخباری ندارد. بنی صدر تلاش می کنه ولی چیزی (اخباری) ندارد. به سوادهای آمده گفتم گاره آنها سپهران وکیل می دهد همه آمدند رای دادند به یک نفر که صد بنی صدر است، بازار دوستهای من اس از اول قبل از انتخابات ریاست جمهوری، باهاش رو کرده بوی کفست همین که این فلان است... بهمان است و چه کار کرده و این چیزها، مردم آواز آمدند به این رای دادند، آن انتخاب شد، حالا آمده بنی صدر تلاش می کنه انتخابات را باطل کند. باطل کرد حتی شورای انقلاب هم پذیرفت. دوباره انتخابات نبود، همان می شود حرفی نوتی نیست. اینها آمده اند در خانه ی ریاست جمهوری و دفتر شورای انقلاب و اعتراض، تمام مدرسه های جمع شده اند آنها در خانه امام آن وقت وقتی در میان دعوا نرخ تعیین می کنند، "اصل با خود شما مردم می دانیم" اگر مجلس هم کج رفت... فردا می زدن تو ذهنش تو چه کارهای نوشت روزنامه که تو چه کارهای مجلس همه گاره است آنها که مستقیم به مردم مراجعه می کنند، مجلس همان کاری که مصدق کرده نه، این دست و پای بی خودی است، داره (بنی صدر) می زند.

هیچ کاری نمی تواند بکند، با این قانون اساسی با این شورای انقلاب با این امام

مقالش نگاه داریم و گفتمیم اوضاع از چه قرار است هیچ کاری نمی تواند بکند، یعنی هر چه بخواهد سروردا کند، باعث می شود، روز بروز ضعف تر شود. مخالف مردم برانگیزه شود و حتی ناچار برکنارش بکنند، اگر بخواهد تسلیم شود که یک رئیس - جمهور سرفعایی است و همین جور بود، این طرف و آن طرف حرف بزند، هیچ قدرتی هیچ اخباری مثل تاه انگلستان، الان فقط حرف می زند یک نخست وزیر می خواست تعیین کند، نتوانسته... چنین فکر می کرد مجلس دیگر فکر نمی کرد یک قاطعی هم این طرفی باشد... در دستگاه کسی را نداشتیم به خصوص که روز به روز هم در دستگاه با یکاهش دارد ضعف تر می شود چند نفری هم که باهاش بودند یعنی بنی صدر بودند... دانشجویی خط امام که باهاش برگشتند، دستگاه هم همین طور باهاش برگشت، ظلمات و حورری غلبه هم که اصلا باهاش بود، حالا هم که در جریان مخالفت قرار گرفتند، بازار هم دارد کم کم برمی گردد، مانده عموم مردم که عموم مردم هم جهت ندارند و جهنتان هم جهت روحانیت است. روحانیت هم که وقتی درست برگردانند، عموم مردم هم برمی گردند، (از بنی صدر) الان هم عموم مردم هنوز دقیقا "در جریان نیستند کی به کیه، فکر می کنند، بنی صدر و بهشتی همه در یک جریان هستند، گرچه حالا کم کم دارند، می فهمند کار یک جریان هم نیست...

این آخرین مهره است!

این آخرس سپهر است نقش خود را بازی می کند، یک، دو یا افراد دیگر که در خط اینها نیستند، سکن است بیاید نارنگر صحنه باشد، خوب اینها افرادی که خط ندارند با بنی صدر خط دار بود، در جهت آنها حرکت می کردند... از الان به بعد افرادی که می آیند، که خطها برایشان مشخص نیست، مثلا بیما البند آن هم خط مشخصی داره و شکل آوردن س به میدان، حاج سید جوادی اینها شکل آوردنش... مثلا "بسی دیگه معمولاً" شناخت دقیقه مردم روستان ندارند، خودشان ظاهر اصلاح هستند، آدم بدی نیستند، ولی خوب خط دقیق و مشخصی ندارند، فرض کنید، مرسلم را با بوزند نخست وزیرش کنند، آنها خطشان را تعیین نمی دهند، مثل خط امام باشند - بنی صدر کیه - بیما کیه -

مخاطب: آیا حزب کلا هیچ تصمیمی به نگاری ندارد... آیت: چرا وزیر می دهد همگاری نه وزارت شرکت می کند، چون حق خودش می داند، نه این که با آن همکاری کند، حزب می گوید، بنی صدر کاره ای نیست، طبق قانون اساسی اکثریت نماینده ی مجلس می تواند نخست وزیر را تعیین کنند، نخست - وزیر، خوب، وقتی خواه ناخواه حزب برنده شد، باید حزبی باشد، چند اکثر ارفاقی که حزب بکند، بیاید یک شخصیتی را بگذارد که از لحاظ معارض شدید با بنی صدر نداشته

باشد، یک دفعه نباید بگوید: آیت، خوب اکثریت مردم بداند بگوید فلان شخص... کسی را نداشتن توبری، ناچیک... کسی را نداشتن و جناح بازگان را نمی توانست بیارد چون دیگر انقلاب نیست، نمی دانم مدتی - سخجایی - حاج سیدجوادی - سین دنتری - روحی این تپها کدومه مجموعا یک واحد هستند این که نه امام زیر یاز می رود نه مجلس زیر یاز می رود و اگر شورای انقلاب نه شورای انقلاب، این (بنی صدر) اینها را می خواهد، سام گفتنش این است که اینها را بیابرد، محال است که خیابانی را بیابرد برای وزارت محال بتواند وزیر بشود.

الان اینها نون به هم قرص می دهند یک عده ای اینها دارند در اخبارتان (مجاهدین) الان خو سلطعانی دارند درست می کنند، یعنی فلان جا که بنی صدر صحبت می کند، خوب معلوم است اگر چهار کف بزند و یا چهار یا سوت بزند، این اصلا "بنی صدر می شود، چند نا جا شرکت کرد، همین جور شد حالا هم مجاهدین و فداییها می روند - اصلا - سبب نظر اشراسان هم با آدمهای وارد مشخص است، آدمهای اسلامی اللماکری می گویند، فوفش که خیلی نیمه اسلامی باشند، کف می زنند، اما دیگر نوبت اسلامیها هیچ وقت سوت زدن نداریم، اخلافتان این نسبت که کف بزند، حتی این زمان طاعوش هم اسلامیها سوت نمی زدند، این سوت زدن ناز سببی است که می خواهد جو صنعی ایجاد کند، معلوم که مجاهدین هستند (هواداران) اینها بیاند.

خوب چند نا در اختیار دارند برای این که بگویند این (بنی صدر) محبوب و مهم است - کف زدن و سوت کشیدن بوی تلویزیون یک برمه بیاید و بگوید امام به شما اخبارات داده این فلان - سالی شده بود، که به مردم بگویند امام به این اخبارات داده، یک چیز نداده را بجا آوردند. این استفاده می بوه از اینها از آن طرف هم هر چه نامه می بویستند، حصرت رئیس جمهور سببی اینها همه رئیس جمهور شده اند در حالی که ما مطلع هستیم اینها همیشه می خواهند بنی صدر را اصالت بدهند در مقابل امام تمام کارشان این است نا حالا که نواسه هات بعدش هم نمی توانست کاری ازشان ساخته نیست.

الان برنامه های روی سنسری باشد عکس را ببرند زعفران را ببرند، بوی سخنرانی نابی ارس ببرند تمام اینها باید سببی از سنسری باشد، منتسری روز بروز بزرگ تر می شود، که ناگر افغای برای امام پیش آمد، ما دیگر خیلی کار نداشته باشیم. بنی صدر عکس این، هدفش است چون حق آن روز عید که سبب کفر سردا برای نجفی و گلپایگانی برای نریمنداری فرساده، ولی برای منتسری فرساده، مهم نیست افغاق... بهتر بود.

مخاطب می گوید: چهاده محدود بگذارید نا چهاده خردا همد جبر روش می شود، البته شاید زود تر از آن روش بکنیم، یعنی زود تر از این برنامه، بهنرحال خواهد بود... سلطع بکنید بقیه در صفحه ۴

# متن نوارهای اول و دوم سخنان دکتر آیت...

که بجاهدین و بنی صدر با هم هستند، ولی اعتراض نکند و به مردم نگوید، اینها با هم هستند و با حدی که می‌نویسد، اعتراض مردم را برانگیزد. خیلی خیلی یواش و مظلومانه بدریج مردم بجهند، اول بجهند بعداً اعتراض اشکال ندارد... اعتراض به این که بنی صدر با رجوی با هم می‌نشینند. مبلغ روی همین مسئله که چرا باید وقتی یک میزگردی تشکیل می‌شود، کسانی نوبت شرکت کنند، که اکثریت نمایندگی اقلیت مردم هستند. رجوی و احمدزاده - رجوی از تهران شد، احمدزاده از مشهد شد آن ناجیک و آنها هم قابل مقایسه نیستند و کسانی که قابل حمل بودند، یکی شمس آل احمد، که خوب داری به کسی ندانسته و یکی نهاد یحیوی بوده و حداکثرش حبیبی، بقیه مثل تکمیل همایون، از قزوین اصلاً "رای نیآورده اگر بنا باشد،

خواهد شد. دانشجویان انجمن اسلامی، اسامی، زیاد با ما تماس می‌گیرند و می‌آیند سائلی را می‌پرسند، و به ما تلفن می‌کنند. ما یک ارتباط سازماندهی ندهای را، داریم برقرار می‌کنیم. علاوه بر روابط خاص یک رابطه بین کل شهرها با اینجا است که برقرار می‌شود. تصمیم بر اینست که انجمنی تشکیل بشود، که نماینده‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های مختلف تهران و دانشگاه‌های سراسر کشور جمع شوند. چه دانشگاهی، استادی، کارمندی از این نیروها باید استفاده کرد. یک هجوم خیلی شدیدی خیلی تندتر آغاز می‌شود و در حدی می‌شود که بنی صدر را به طور کلی فلج می‌کند... و حتی این هجوم خواهد شد. حالا بگذارید اسامی (سی‌صد) هرچه بیشتر راحت و باز کند و این بهتر است. اگر یکجا جلوس باسی یکی از زرنگی‌های این است که

برنامه‌های داریم که با پای بنی صدر هم نمی‌تواند مقاومت کند. این دفعه مثل دفعی قبل نمی‌تواند مقاومت کند، مسئله‌ی مهم الان امام است، یک کلام باید بگوید. مخاطب می‌گوید: امام بیاید اسم ببرد و سازمان‌های را خطاب کند. آیت: (امام) یک کاری خواهد کرد، خیلی تندتر امام بنا می‌نهد نیست بگوید رجوی فلان... بد است و فلان گفته به طور غیرمستقیم اما (امام) مثال می‌زند، فرض کنید... الان فردی که شناخته شده و ضد بنی صدر هم شناخته شده، خود بنی صدر هم می‌داند... حالا امام بیاید، من را با بد کند، یعنی حد؟ یعنی آن اینست کوبیدن او و کوبیدن شدید او. شمه این کار خواهد بود (خواهد شد) ممکن است مرحله مرحله پیش بیاید، ولی سید این کار خواهد بود، بنابراین

## ● برنامه‌های داریم که با پای بنی صدر هم نمی‌تواند مقاومت کند

آیت: ما سوزی بجهدا مسئله‌ی نظامی را چگونه طرح کنیم آیا ما مسئله‌ی نظامی را بنویس بجهدا طرح کنیم و یا نه؟ و اگر مطرح می‌کنیم چه شکلی مطرح کنیم چون خیلی مسئله‌است یعنی مثاله... آیت: مسئله یکی مسئله سیاسی است که مسئله‌ی سیاسی را... حل کردیم... مخاطب: حل جدید آیت: کار ما هم عمده‌ا الان سیاسی است یعنی باید افراد دانستد تبلیغات سیاسی، جدیدگیری سیاسی، جست‌وجوی این را با یاد بگیرند، مسئله نظامی‌اش را هم به اندوختن می‌شود بوجهی کرد که خوب درسه که ما الان حکومت تقریباً مورد نظر ما است و انقلاب است و اینها... مخاطب: حل جدید آیت: کار ما هم عمده‌ا الان سیاسی است یعنی باید افراد دانستد تبلیغات سیاسی، جدیدگیری سیاسی، جست‌وجوی این را با یاد بگیرند، مسئله نظامی‌اش را هم به اندوختن می‌شود بوجهی کرد که خوب درسه که ما الان حکومت تقریباً مورد نظر ما است و انقلاب است و اینها... آیت: ما باید کارمان را کنیم اتفاقاً در مجلس کاری که می‌کنیم که سوانیم همس‌کار را نکنیم، این که نگذاریم بنی صدر از چهارجوب قانون خارج بشه، حالا او تلاش می‌کند، ما حالا هم تلاش کرده ولی نوانسده. مخاطب: حالا یک مسئله هست شما دبروز اشاره کردید به مسئله‌ی امام و گفتید که به اصطلاح امام هم هست این قول، یعنی امام هیچ نمیدانده ایسان از آن خطی که باید بره منحرف بشه ولی مسئله‌ی امام را هم خوب باید سخن کنیم. آید و خدای نکرده امام هر لحظه فوت کرد آیت: باید آیت‌الله منتظری را بحاشی گذاشت. مخاطب: خوب آیت‌الله منتظری ببینید به اصطلاح مسئله، زودتر فرصت را باید گرفت. آیت‌الله منتظری را، ما الان داریم به حد زیاد تلاش می‌کنیم. دانشگاه که وسیع دارد تلاش می‌کند، ما هم این تلاش را می‌کنیم ولی مسئله‌ی این است که آیت‌الله منتظری ما بیاید ما بیایند بعنوان رهبری... آیت: خوب، ما باید تا آن موقع انتظار صبر داشته باشیم که اگر یک وقت خواستند با صوت امام دبراری آقای منتظری ما بوطئه ما مسیر را منحرف کنند ما این قدرت را داشته‌ایم که سوانیم جنوس را بگیریم فعلاً در آن مرحله، قدرت ما یاددا این حد باشد، چون اگر امام در آن مرحله رفتی و ما این قدرت را نداشته‌ایم خیلی ساده داد و قال و آریب و سلوع، همه چیز را بکوفت درهم بیاند و ما اگر این قدرت را داشته‌ایم در تمام ارگانها حالا چه در مجلس و چه در دولت و چه در ارتش و چه در سنا که الان هست در این جاها باید باشد، باید نوری بر باشد در آن حد باشد. مخاطب: درسه. آیت: ما امام درگیر مستعد مقابل امام... حالا اگر این امر را به عنوان یک خبر غادی بکنی، فردا می‌گذارد بیای مخالفت، ولی نه جداکنر دسیس باشد ولی خوب... آیت: سنا، مانند دانشی درسی خواهد داشت و سنا خطرناک است

## متن کامل نوار دوم سخنان دکتر آیت

معرض با... برای اینکه آن مریض و آلت دست ما سواند باسیر بگذارند گاه نگاه یک بوجهی، یک جایی سنا را جنس را سخن می‌کند. مجلس هم که باز شود گفتم دست ما خیلی باز می‌شود، احسانا یعنی احسانا که نه، حتماً، باید وسیله روزنامه عمل شود و اگر سواند جول آن روزنامه افراد را شکل دهیم کار ما همین است... گفتم برنامه طولانیست، ما باید برابری طولانی داشته باشیم. بلد بی خدمت است که بی‌صدر خیلی دوام نمی‌آره. گرجس می‌تلاش می‌کنیم که برای چهارمال آینده دوام مباره، لاف‌لای یک مدتی ما وقت داشته باشیم برای این که خودمان را بیتر تناسیم (سازیم). مخاطب: باری گفتم این بدت سنا این تدر باشد که نیروها از دسماں بره جا، خیلی سنا بد طول کند. آیت: بله، خوب، همین، بازی طرفی است باید وقت کرد که کجا؟ یک وقت دیدی دو ماه دیگر یاد جناب مقابلت باسی که یعنی منظور کلی اگر شود به نحوی کار کرد که جدازو میریز باشد، چون روپاش خودس غلط است، خودس زود داره خودس را طرف باسوی می‌برد، س جلی اطلاعات زیادی بهم می‌رسد که این کارهایی ناچوری که کرده و ضمن در حد علی‌ها که بعضی‌ها سنا را روزنامه‌خبر دادند، دست آقای کارمزدی صحاح کرده که سنا ناچور بود و راجع به مجلس و راجع به رئیس جمهور و راجع به استخبارات و راجع به حاکم‌وکول‌ها که بهتر بود نمی‌شد و الان هم رئیس جمهور معتقدند که اینها باید آزاد بودند از این حرفها... خوب و جی باسیر علی‌اش اسجور باید کارهای سمد محقی و سنا‌های که گاهی هم بوی روزنامه‌سفک شد که گفتم اصلاً این کروکالی‌گیری ضد-اساسی، ضد احلانی، ضد نابویی است. مخاطب: بلد اینها را بوی روزنامه هم نوشته بود آیت: خوب اینها می‌نشیند سقوط فلان را برسد می‌کند این صالحه فعلاً فقط ماندن این که مجلس نیست، فردا که مجلس بیاید، انجمن شورای انقلاب درسه که یک ارگان قانونی است ولی یک ارگان

را داریم، روابطمان هم در تهران محفوظ باید باشد، احسن هم سکتلی می‌دهیم، حتی اگر شده هفته به هفته یکی بغوسیم به سهرسانیا این کار انجام خواهد شد. به بجهدا بگویند و (منتظری) دانشجویان انجمن اسلامی که در سبیز دانشگاه را در اسفل خود دارند) فرض و محکم باشد، بزودی بوج‌عوی می‌شود به بجهدا بگویند فرض و محکم باشد. و سنا‌سنا باشد، تصمیمی گرفته شده لاسع. غیربناپذیر است، دانشگاهها بعد از ۱۴ مرداد مفضل بی‌شود و بعد ما برانفای خواهدیم دست و پای بنی صدر هم نمی‌تواند روی این برآید کار کند. حتی برسی داده شده که برحلاف دفعی فلج نمی‌تواند باشد مقاومت کند، ظاهراً هم همراه می‌شود.

آیت: خوب بله مسئله‌ی سنا... مخاطب: باحالی باید تکرکب روی سروی خودمان. آیت: خوب سله. مخاطب: ما نرعت خوبی داریم، ما برای به اصطلاح شکل بیداکردن، ما الان در خیلی جریانها شکل بیداکردن داریم. آیت: ما باید کارمان را کنیم اتفاقاً در مجلس کاری که می‌کنیم که سوانیم همس‌کار را نکنیم، این که نگذاریم بنی صدر از چهارجوب قانون خارج بشه، حالا او تلاش می‌کند، ما حالا هم تلاش کرده ولی نوانسده. مخاطب: حالا یک مسئله هست شما دبروز اشاره کردید به مسئله‌ی امام و گفتید که به اصطلاح امام هم هست این قول، یعنی امام هیچ نمیدانده ایسان از آن خطی که باید بره منحرف بشه ولی مسئله‌ی امام را هم خوب باید سخن کنیم. آید و خدای نکرده امام هر لحظه فوت کرد آیت: باید آیت‌الله منتظری را بحاشی گذاشت. مخاطب: خوب آیت‌الله منتظری ببینید به اصطلاح مسئله، زودتر فرصت را باید گرفت. آیت‌الله منتظری را، ما الان داریم به حد زیاد تلاش می‌کنیم. دانشگاه که وسیع دارد تلاش می‌کند، ما هم این تلاش را می‌کنیم ولی مسئله‌ی این است که آیت‌الله منتظری ما بیاید ما بیایند بعنوان رهبری... آیت: خوب، ما باید تا آن موقع انتظار صبر داشته باشیم که اگر یک وقت خواستند با صوت امام دبراری آقای منتظری ما بوطئه ما مسیر را منحرف کنند ما این قدرت را داشته‌ایم که سوانیم جنوس را بگیریم فعلاً در آن مرحله، قدرت ما یاددا این حد باشد، چون اگر امام در آن مرحله رفتی و ما این قدرت را نداشته‌ایم خیلی ساده داد و قال و آریب و سلوع، همه چیز را بکوفت درهم بیاند و ما اگر این قدرت را داشته‌ایم در تمام ارگانها حالا چه در مجلس و چه در دولت و چه در ارتش و چه در سنا که الان هست در این جاها باید باشد، باید نوری بر باشد در آن حد باشد. مخاطب: درسه. آیت: ما امام درگیر مستعد مقابل امام... حالا اگر این امر را به عنوان یک خبر غادی بکنی، فردا می‌گذارد بیای مخالفت، ولی نه جداکنر دسیس باشد ولی خوب... آیت: سنا، مانند دانشی درسی خواهد داشت و سنا خطرناک است



پاسخ

برادر مجاهد مسعود رجوی

به سؤال خبرگزاری پارس در رابطه با اظهارات دکتر آیت

اطهر من الشمس است و طی این مدت بارها آرمودهایم که باز هم به قول خودش اگر "بالا" زمینه داشت که چه بهیر ولی در گاهی اوقات عکسش است. بالا زمینه ندارد و باید از پائین شروع کرد و می‌گوئیم آقا شما شروع کنید فلان ساله را عنوان کردن آن دانشکده و آن دانشکده عنوان می‌کند و آنوقت بر اساس خواست مردم!! به اصطلاح خودشان اینها این چیز را می‌خواهند...! ناگفتی که در ماجرای انقلاب

"آخر چطور می‌شود که یک جریان بی‌ویک حزبی، هر چند رگه‌ها می‌توانند در تفرقه و چماق داری و خونریزی و نوطه فروگذار نمی‌کنند، ولی همینکه نوبت می‌رسد بنا فتشای یکی دو قلم نا چیزا زکارهاش، فریاد بر می‌دارد که بس کنید! تفرقه ایجاد نکنید! خون شهدا را پامال نکنید! والی آخر..."

لیسم است. بله، می‌خواهم عرض کنم، "خط تفرقه‌بینداز و حکومت‌کن" که این جریان از فردای انقلاب تا کنون بی‌موده، همان خط قدیم است. استعمار انگلیس است که با توجه به سوابق کسانی که فی‌المتل مدافع مجاهدین و با عدم پذیرش حتی یک هیئت داخلی را دامن زده‌اند مبین میراث‌های ما بوده و همیشه درگیری‌ها و عملکردهای یک جریان این-جینتی است، جریانی که منجمت‌ها از روز اول با هدف نابودی نام عیار مجاهدین و با عدم پذیرش حتی یک نفر از آنها به مجلس وارد کار شده و با سنگ گرفتن در پس نام مقدس اسلام و انقلاب و دم زدن ریایی از امام و مسلمین، امتثال آیت‌ها را به عنوان وکیل مردم، مردم غالب می‌کنند. آنها را به صورت علنی و آشکار و در برابر توده‌های مردم، مخلص دو آنشده انقلاب و اسلام و بصورت متولیان خون ۷۰۰۰۰ شهید (که البته هیچ‌یک از آنها ربطی ندارند) گوئی فرشته‌ی حق و عدل اسلامی هستند.

بنابراین بگذارید من به عنوان یک مجاهد خلق به مردم میهنم به این وسیله بازهم هشدار بدهم که مساله را در یک فرد خلاصه نکنند، خیر، ساله در جریان و در حوزی است که مسئول عمده‌ی ناپایمانی‌های کنونی است. جریانی که مسئول کشورهای دانشگاه‌ها تحت عنوان ظاهر فرب انقلاب فرهنگی است، جریانی که مسئول اصلی چماق‌داری‌ها است، جریانی که مسئول اصلی همدی خون‌فشان است که بعد از انقلاب در گوشه و کنار کشور از مجاهدین به زمین ریخته شده است، جریانی که دادگشای انقلاب را تا حد نامتعارف از "کلیت" سراسری زیر نفوذ "والی" کشی و چرا می‌خواست نام "امام" این جاسوس انگلیسی بنویسد؟ جریانی که با سلطه و نفوذ تفرقه افکنانه در همه‌ی دستگاه‌های کشور و به ویژه رادیو تلویزیون، پاسداران و کمیته‌ها، دست به چنان اقدامات شرم‌آوری می‌زند که حاصل زحمت سایر افراد بی‌گناه و زحمتکشی این نهادها نیز هدر می‌رود. بنابراین برخلاف آنها که می‌خواهند وانمود کنند نظایر آیت‌نیکبالات و شبکه‌های برای کارهایشان نداشته‌اند، می‌خواهم به عرض مردم ایران برسانم که خیر این طور نیست. تشکیلات چماق‌داری حتی ترور هم دارند، آیا این است نحوه‌ی "تکبیر" عمل کردن که آقایان مدعی آن هستند؟ راستی اگر کار، کار فقط یک فرد است، بگذارید ببرم که ۲ میلیون نسخه امثالگری علیه خود من به عنوان ساواکی که توسط همین تشکیلات چاپ و پخش شد می‌بواند فقط کار یک نفر باشد؟

آیا روزنامه‌های ضدانقلابی متناقض (و وابسته به حزب جمهوری اسلامی) و روزنامه‌های ضدانقلابی ارجاع و تحلیل اقلیتک نفر آن هم ما پول شخصی خودش چاپ می‌کند؟ و داد-سنائی انقلاب هم در برابر او تا این لحظه دم بر نمی‌آورد؟ البته من که در دنیا بیست‌از یک نفر نمی‌شناسم که بتواند به تنهایی این همه کارها و چماق‌داری‌ها و نوطه‌ها را بکند و آن همانا امیر-بابا

بنابراین اولین چیزی را که باید از نام مردم قهرمانان، که مدنیهات از این گونه عملکردها به ننگ آمده‌اند، درخواست نمود، این است که در قبال این قضایا گول نوجیهانی از قبیل این که اگر این ساله مورد بررسی قرار گیرد، باعث تفرقه و خوتحالی دشمن می‌شود، را نخورند. آخر چطور می‌شود که یک جریانی و یک حزبی، هر چند در می‌تواند در تفرقه و چماق‌داری و خونریزی و نوطه فروگذار نمی‌کنند، ولی همین که نوبت می‌رسد به افتشای یکی دو قلم ناچیز از کارهایش، فریاد بر می‌دارد که بس کنید! تفرقه ایجاد نکنید! خون شهدا را پامال نکنید! والی آخر...!

جالب این است، همین آقایانی که امروز این مطالب را می‌گویند، تا دیروز، بله تا همین دیروز، هیچ‌کس را غیر خودشان بی-برجسب و بی‌انتهام باقی نگذاشتند. آخر این که نمی‌شود یک حزبی نباید آنقدر با انقلاب و اسلام و حتی امام، آنقدر انحصارطلبانه برخورد کند که هر کاری که خودش می‌کند ایرادی ندارد، ولی وای به وقتی که دیگران یک کلمه بگویند. آنوقت می‌بینید که صدا بلند می‌کنند که واشریعتا! وا اسلام! خون ۷۰۰۰۰ شهید پامال شد...

و کسی نیست که بگوید آقایان اگر به راستی برای اسلام و انقلاب و امام دل می‌سوزانید، چرا به چنان کارهایی اقدام می‌کنید؟ بله، امروز که شمای (فقط شمای) از مقاصد و کارهای شما افتشای می‌شود، هشدار و توجه می‌دهید که "کشور در لحظات بسیار حساسی بسر می‌برد" آیا وقتی که هواپیماهای آمریکا در آسمان ایران بود و شما تحت عنوان انقلاب فرهنگی به کشتار دانشجویان بی‌گناه و زندانی کردن آنها اشتغال داشتید کشور در لحظات حساسی بسر نمی‌برد؟ امروز می‌نویسید که اگر کسی قصد دارد بوطه‌کشف کند چرا نوطه‌ی آمریکا و اسرائیل را کشف نکرده و به سراغ آیت و حزب او آمده‌است؟ خوب، از خودتان هم باید پرسید که شما چرا در تمام این مدت بعد از انقلاب بوطه‌ها را از نیروهای انقلابی و برقیخواه داخلی کشف می‌کردید؟ انصاف بدهید که تاکنون چقدر وجدان بار و در چند هزار مورد کلمه‌ی "عدا انقلاب" را برای مخالفان داخلی خودتان که با قشریگری و انحصار-طلبی و عوام‌فریبی مخالفت می‌کرده‌اند، بکار برده‌اید؟ و مگر غیر از این است که در این مدت شما هر اعتراض و انتقاد و ایرادی را که

سپاس

بدا د مجاهد شهید احد عزیزی



"احد" فریاد "بالا" و "امانت دارا" آنچه که گویا نیز از یاد رفتن آن سرباز زنده، بر فراز قلعه سیلان

با قاضی استوار، همدوش ارتفاع سیلان، در پای پاک آب اینسان بلند توفنده، بر غرور احد: بگجا خیره گشتی؟  
این خلق استوار، محروم برنجبر، در انتظار سلام و لبخند، پیشباز قدومت را، جاروب می‌کند.  
در رانشی روشن چشمانت، بر انداد مهربانی، آن دورها، دوستان کوچکت در روستای "اردی موسی" چشم انتظار گولبازی از "خشم و عشق" فریاد می‌کنند.  
در پای تخته، اینک، "سحر گلشن" پیش روی شاگردان، در اشتیاق درس‌رہانی، لذت "بریا" را، تکرار می‌کند.  
در کوچهای ده، در دشت "گشت و کار" یا پشته‌های فقر، در دامن "چراغ" همراه گوسفندان، تکرار می‌کند.  
بر پای عهد سبگی جو، با "خدا و خلق" "میثاق بر حرکت راه مجاهدین" با ما بگو که اینک، با مهر خون احسا، نمودهای فریاد کن "احد" فریاد کن "احد"

باره آقای آیت از این می‌نالد که چرا من برای اولس بار آن هم برای چند دقیقه از طریق سمینار انقلاب فرهنگی در تلویزیون حضور یافته و بی‌سایس نسبت به آنچه این آقایان در سر می‌پروراند هشدار دادند. بله بخود بست کردادو - تلویزیونی که جریان انحصارطلبی دانا از آن مدعی بحث آزاد است تاکنون به هزار و یک حمله و ترغیب مابح بحث سخنرانی‌ها و امثالگری‌های ما شده‌است. بدیپتی است که من می‌دانم. بلافاصله پس از پخش این سخنان بار

دارد، خوب بفرمائید! مقداری هم در این مورد داد سخن بدهید! حطوره است که اگر این حرف‌ها مطلق به مجاهدین می‌بود حالا تراباده‌ها به آسمان رفته بود که بله مجاهدین حسن و حیا کردند، دولت جمهوری اسلامی را تضعیف کردند و کذا و کذا...  
برای خدا قورس را بکشد. اگر مجاهدین از یک ماه قبل در مورد بوطه‌ی ۱۴ خرداد به بعد هشدار نمی‌دادند و با آگاه نمودن مردم از این بوطه‌ها صانعت نمی‌کردند چه می‌شد؟ حکستاری بیش می‌آمد و چه ناانوار سوتی بر فضای سیاسی و اقتصادی کشور بر جای می‌گذاشت و

"بله، امروز که شمای (فقط شمای) از مقاصد و کارهای شما افتشای می‌شود هشدار و توجه می‌دهید که "کشور در لحظات بسیار حساسی بسر می‌برد" آیا وقتی که هواپیماهای آمریکا در آسمان ایران بود و شما تحت عنوان انقلاب فرهنگی به کشتار دانشجویان بی‌گناه و زندانی کردن آنها اشتغال داشتید کشور در لحظات حساسی بسر نمی‌برد؟"

بله حساب معمول می‌خواستند وانمود کنند که این "مردم" هستند که ما مخالفند. این "مردم" هستند که حماق‌دارند و این "مردم" هستند که خواستار هرج و مرج و به‌خون‌کشدن دانشگاه‌ها هستند! ولی حالا روس می‌شود که به قول آقای آیت ابتدا خصمی گرفته می‌شود که "حریف هم اصلا نباید بفهمد و هیچ زیره‌ای هم نباید از آن بسود" و این که باز هم به قول خود ایشان: "... بکمر به اعلام شود و بعد شروع کنند... روی آن تبلیغات کردند و سر و صدا راه انداختند" یا کسک ایشان و حزبشان نیز که دیگر

# مصاحبه‌های با خانواده‌ی قربانیان فاجعه سینما رکس آبادان

اینجاگردان شهادت‌ی کس سوخته‌ی سینما رکس آبادان است. شهادتی که قربانی یکی از بوطقه‌های شوم و نعرت‌آور ساوک و دژخیمان جنایتکار تاه شدند. اجساد ذغال شده‌ی شهیدای آتش‌سوزی سینما رکس آبادان که نه قابل شناسایی و نه حتی قابل جدا کردن بود توسط بازماندگان داغدار آنها در یکجا انباشته و دفن شد. هزار پاک آنها هنوز هم به عنوان سمبل‌ی از جنایت و خونخواری رژیم‌های وابسته به امپریالیزم، بادآور آتش خشم و نفرت و عمق تضاد آتشی ناپذیری است که بین خلق و امپریالیزم وجود دارد. خلق قهرمان ایران سزین تنها روز سی از این حادثه در حماسه‌ی ۱۷ شهریور و سپس با رشد روزافزون جنبش که نهایی‌اش سرنگونی رژیم مغروران‌ناجاسد نشان داد که مزدوران و ابادی جنایتکار امپریالیزم هرگز از نظری انتقام این خلق در امان نخواهند ماند! اگر چه طبعی بود که تلاش خانواده‌ی این شهیدا در آن زمان برای شناسایی و جازات عاملان این جنایت بجای نبرد اما با فرو رخن نظام پوسیده‌ی آریامیری‌نمائی مردم رزم‌ننده و انقلابی میهنان و مدیوره بازماندگان و خانواده‌ی شهیدای این فاجعه که در حقیقت نمائی بنگدان دلسوخته‌ی نمائی خلق بودند انتظار داشتند که با شناسایی و جازات عاملان این جنایت هولناک، لاف‌لای قلب‌های پرکینه‌شان شفی یابد.

"ویشت صدور قوم مومنین و نه نسیها از مقامات مسئول برخورد قاطعی ندیده‌اند، بلکه آنها از دست‌های پنهان و آشکاری صحبت می‌کنند که به طرق مختلف مانع افشا و معرفی عاملان این جنایت می‌گردند. نهاییان مادران و پدران دلسوخته‌ی آخوین چاره را در حصن یافتگان و اکنون بیش از ۶۰ روز است که در ساختمان دارائی آبادان محصور شده‌اند. آنها تنها یک خواسته‌ی مشروع و انقلابی‌بشتر ندارند و آن هم معرفی و مجازات عاملان کشتار جمیع فرزندان و بستگان شهیدشان می‌باشد.

ما ضمن همدردی با خانواده‌ی شهیدای سینما رکس آبادان بر آن شدیم ما ضمن مصاحبه با چند تن از آنان، این سوال بار دیگر مطرح شود که:

آیا این بی‌نفاویتی‌ها و پشت‌گوش انداختن‌ها، در کنار آزاد کردن مهره‌ها و ابادی خطرناک ساوک! جز با بمال کردن خون‌شهیدای پرافتخار خلق و هنگ حرمت خانواده و باز ماندگان آنها و معاشات با عناصر ضد خلق خواهد بود؟

خبرنگار مجاهد: اجازه می‌خواهم ضمن تسلیت به خانواده و بازماندگان شهید، با توجه به اینکه مسئله‌ی فاجعه سینما رکس حساس ترین مسئله‌ی شهر آبادان و در رابطه با انقلابیان یکی از حساس‌ترین مسائل کشور می‌باشد، لذا در رابطه با تانحصن اخیرتان خواهش می‌کنم که چند سوال ما پاسخ دهید:

اولین سوال این است که آیا تحصن اخیر شما اولین اقدامات جهت برآورده کردن خواسته‌یایان است؟

ج: قبل از پاسخ گفتن به این سوال می‌خواهم بگویم که ما در ابتدا یک گل و شکایت داریم از مطبوعات و بطور کلی رسانه‌های گروهی کشور که منافسانه آن رسانه‌ی که بدوش آنها بود انجام ندادند بخصوص در رابطه با سینما رکس که با انفجارش، انفجار خلق ما را بدنبال داشت و ما این انتظار را داشتیم که بعد از پیروزی انقلاب، مطبوعات صدای ما را به تمام مردم ایران برسانند، اما در عمل چنین نشد. در رابطه با سؤالات بعد از پیروزی انقلاب تعقیب و پیگیری برآورده شاید

کار هر روز ما بود، ولی مسافانه مسئولین و مقامات، هیچگونه کمکی در جهت افشای پرونده‌ی این فاجعه نکردند. در تاریخ ۵۸/۷/۱۱ حدود ۲۵ نفر بودیم خدمت امام رفیم، حدوداً ۲۰ دقیقه با امام صحبت کردیم. امام هم تاکید کردند. اما مسافانه اکنون که از آن تاریخ ۹ ماه می‌گذرد باز هم از جانب مسئولین - امر هیچ اقدامی نشده.

روز ۵۹/۱/۲۹ ضمن یک راهپیمایی از جلوی سینما تاج سابق نا سینما رکس، در اداره‌ی دارائی منحص نسیم که اکنون نیز امداد دارد. مجاهد: ممکن است بگویند خواسته‌یایان در این رابطه چیست؟

ج: به خواسته‌یایان ما عبارتند از:

۱- ما خواستار اعزام سگ بازبرس ویژه بخاطر رسیدگی به این پرونده هستیم که تاکنون ناعلکاری و فریبکاری فراوانی مواحه شدیم.

۲- طرح خواسته‌یایان در حضور هیئت ویژه.

۳- محاکمه‌ی علنی حسین - کعبلی زاده تنها نسیم برآورده و تنها بازمانده از گروه چهار نفری محری طرح ( این چهار نفر عبارتند از: احمسن کعبلی زاده ۲- بدالله معروف به زاعی ۳- فرح بزرگار ۴- فلاح محمدی)

مجاهد: ممکن است بگویند مسئولین چه برخوردی با خواسته‌ها و بطور کلی تحصن شما کرده‌اند؟

ج: به، مسافانه باز هم طبق روال سابق در جهت سرپوش گذاشتن بر روی این فاجعه، و سبب بهمت‌ها و تهدیدها و حتی شاهد بودیم که عناصر معوم الحالی نیز برای برهم زدن حصن ما بدین محل می‌آمدند که حصن ما را بشکنند.

این از یک طرف و از طرف دیگر می‌خواهند با معاشات و به اصطلاح برخورد فریادتی ما را خسته کنند، این را از چند طریق گفتماند ولی ما مصمانه اعلام می‌کنیم که ما رسیدن به خواسته‌یایان هر قدر هم که طول بکشد در اینجا خواهیم ماند.

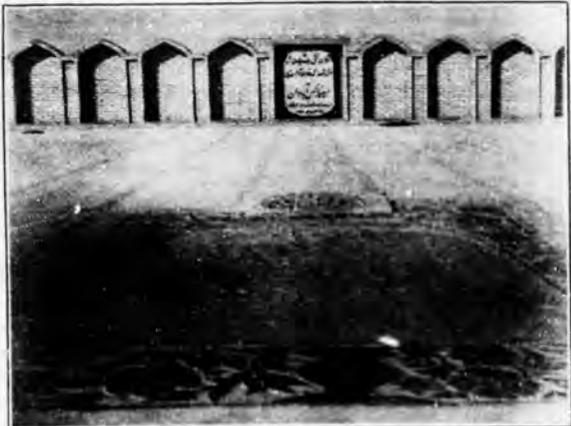
مجاهد: می‌توانید بگویند چند نفر در این فاجعه کشته شدند؟

ج: این دقیقا، چون بسیاری از اجساد شناسایی نشده و بعضی کاملاً جزغاله شده بودند ولی گنجایش سینما حدود ۱۰۰۰ نفر است و آن شب هم بازار سیاه بوده، ولی جدی‌ترس رقم ۱۰۰۶ ( هزار و شش) نفر است.

مجاهد: آیا در رابطه با پرونده مدرک مستند دارید یا نه؟

ج: بله مدارکی داریم که نشان می‌دهد که حسین کعبلی زاده ۳ سن از دوسانش که هر سه در آتش‌سوزی از بین رفتند، تنها نبوده‌اند و فقط مجریان طرحی بوده‌اند که از جانب کسان دیگری تهیه شده بود. در حقیقت ما حسین و دوسانش را به شکل یک جریان می‌بینیم که مسئولین امور برس از افشای آن جریان دارند. در این رابطه مدارک مستندی هست دال بر ارتباط حسین کعبلی زاده و دوسانش.

اینجا لازم است این نکته را با کید کنیم که دست‌هایی در کار است که حسین را به نحوی متلا" اعدام کنند و پرونده را هم ببندند، که تا اکنون موفق نشده‌اند و به نازکی حتی شنیده‌ایم که حسین در زندان ممنوع الملاقات شده و شدیداً هم تحت فشار و حتی شکنجه قرار گرفته نا در صورت محاکمه به اصطلاح مجبور به سازش شود و مطالب باب طبع خودشان را بگوید که ناجایی که ما خبر داریم، حسین هنوز مقاومت می‌کند و خودش نیز خواهان یک دادگاه علنی شده، موقعی که چند وقت پیش چند تن از مادران می‌خواهند که حسین را محاکمه‌ی علنی کنند، می‌گویند که اگر حسین را محاکمه‌ی علنی کنیم، ممکنست



دروغ بگوید! مجاهد: ضمن تشکر، اگر بیایی برای مردم دارید، بگویند. ج: البته ما فکر می‌کنیم که این مسئله، مسئله‌ی ما به نهایی نیست

حرکت ما را لوٹ کنند، با ما را وابسته به رژیم گذشته و با گروه‌های سیاسی قلمداد کنند و در این رابطه بهمت‌ها و افتراهای زیادی به ما و حرکت‌مان زده‌اند. مثلاً می‌گویند که ما هیچ نسبی با شهیدای رکس نداریم، ولی همین جا نا، کید می‌کنم که همگی ما فامیل‌های درجه‌ی اول شهیدای فاجعه می‌باشیم، و این بهمت‌ها صرفاً به دلیل بدبینی کردن افکار عمومی نسبت به حرکت ما صورت می‌گیرد و بهمت‌ها خاطر حا دارد که از مردم بخاطر حمایت‌ها - بنات نهایت سازگاری را بکنیم.

مجاهد: مادر ضمن تسلیت لطف کنید به ما بگویند که در این حادثه چه کسی را از دست داده‌اید و چه خواسته‌یای دارید.

ج: من یک مادر داغ‌دیده هستم، فرزند ۲۸ ساله‌ام را از دست دادم ما پنج نفر از دوسانش، خواسته‌ی ما اینه که حسین محاکمه و

محازات شود و از رادیو تلویزیون هم سخن شود. دیگر هیچ خواسته‌ای نداریم - فقط محاکمه‌ی عاملین قتل نجماون الان ۴۸ روزه که اسخاشیم بخاطر رسیدگی به خواسته‌یایان هر برجسی به ما زدن، گفتند آنها بازماندگان شهیدا نیستند، ما همه که اسخاشیم مادران، پدران، خواهران و برادران اونها هستیم.

مجاهد: شما پدر در رابطه با شهادت فرزند یا فرزندان اگر صحبتی دارید، بکنید.

ج: من جوان ۲۱ ساله‌ای را در فاجعه از دست داده‌ام ما بازماندگان ۴۸ روز است اینجا بنشینیم و فقط یک آرزو داریم و آن این که مسبین سوخن فرزندانمان دستگیر و محاکمه شوند، ولی انواع و اقسام بهمت‌ها را با حالا به ما زده‌اند، می‌گویند، ضدانقلاب، کمونیست، صافق در صورتی که من نمی‌دانم اینها چی هست خدا می‌داند که ما سلمان هستیم و هیچ نوعی هم از کسی نداریم جز محاکمه‌ی مسبین.

خبرنگار مجاهد - آبادان ۵۹/۳/۱۵

کرده‌اند و الان خانه‌شان هیچ چیز جز یک محروبه نمی‌باشد. حتی آن - قدر حمله وحشیانه بوده که وسایلی مانند جرح خاصی هم گذاشته‌اند. بعد از حمله انحن، مهاجمین به خانه‌ها حمله کرده و به بهانه‌ی جستجوی اسلحه افراد داخل خانه را مورد ضرب و شتم شدید کردند و وسایل را با "نخن، نخن" گفتن در چادرها گذاشته و بارونتی می‌کرده و می‌بردند. لیستی از گلبه‌ی طرفدار-ها تهیه کرده بودند و ۳ راه برای ما باز کرده بودند کدبکی را انتخاب کنیم: با توبه‌نامه بنویسید که ما مجاهد و طرفدار مجاهدین نیستیم یا از شهر بیرون بروید یا اگر در شهر هستید باید حلات را بجان بخرید... سپس برادر مجاهد "سعود" به خانواده‌های داغدار، اورنج‌دیده‌ی ما چنین گفت:

"... من واقعا" در برابر آنچه شما تحمل کرده‌اید، نمی‌توانم چیزی بگویم. تنها چیزی که می‌توانم به شما بگویم این است که، خوب به مادر رضائی‌های شهید نگاه کنید، فکر می‌کنم که آدم هرچه مصیبت ببیند، وقتی او را می‌بیند... من یکبار به مادری می‌گفتم که شرح حال زینب و حضرت فاطمه را که آدم می‌خواند تا سرمازد -



عده‌ای از خانواده‌های مصیبت‌زده‌ی مجروحین تربیت حیدریه در ستاد مرکزی مجاهدین. آنها برای پی‌گیری شکایات خود و ملاقات با رئیس جمهور به تهران آمده‌اند. مادر رضائی‌های شهید و خواهر مجاهد اشرف ربیعی (رحوی) در عکس دیده می‌شوند.

قانونی نیز مردم را در برابر او باشو جانوکنان حرفه‌ای حمایت نمی‌کنند. حال سنوالی که باقی می‌ماند، اینست که: آخر این چه ملکت و قانون و حساب و کتابی است که مسی ارادل فداره بند و جماع کش این جنس آشکار به حقوق اولیه‌ی مردم یک شهر تجاوز می‌کنند و هیچ مرجع قانونی هم به نتنها رسیدگی نمی‌کند، بلکه عملاً با حمایت‌های پنهان و بی‌نواویتی‌های خود، به این اعمال میدان می‌دهد. نا آنجا که عده‌ای از خانواده‌های محترم و با ایمان در این شهر محبور می‌شوند، از زن و مرد و بیرو کودک شهر را ترک نموده و به دیار دیگری هجرت‌گزیینند! در نمایی که با دادستان تربت حیدریه گرفته می‌شود، وی به جای عمل به وظایف قانونی خود جواب می‌دهد: "یا تسلیم آنها ( جفاقداران) شوید و یا این که کتک‌ها را بجان بخرید!"

اواش گویا آن قدر از حمایت - های رسمی و غیررسمی مطمئن هستند که اعلام کرده‌اند، لیست خانواده‌ی هواداران در اختیار ماست و هر خانواده‌ی هوادار باید توبه‌نامه بنویسد که: "من و بچه‌هایم طرفدار مجاهدین نیستیم"، تا از تعرض انحن جوانان مسلمان تربت - حیدریه و خانه‌های مسکونی مردم و هواداران در این شهر بود و به مجروح شدن بیش از ۵۰۰ تن از هواداران مجاهدین منتهی گردید، در "مجاهد" ( شماره‌های ۸۵ و ۸۶) درج کردیم. در ادامه‌ی این حمله‌ی بی‌رحمانه که در تاریخ ۵۹/۳/۷ به وقوع پیوست، مهاجمین پس از بران کردن ساختمان انحن به تعقیب و ضرب و جرح هواداران و حمله و هجوم به خانه‌ی آنها که از قسمل هیچ سفاکی و زذالت و خناسنی نیز فروگذار نکردند. در این حمله در حمله به خانه‌ی یکی از دبیران هوادار که دبیر زبان انگلیسی است، اوراق امتحانی دانش آموزان را برداشته و به مردم بد عنوان مدارک ارتباط با ترووی معرفی می‌کنند!

یکی از سررده‌اران جفاقداران در تربت حیدریه می‌گفت:است: "ما هرچه اینها را می‌زنیم باز زیادتر می‌شوند، لذا باید ریشه‌ی آنها را بکنیم"

بدنیال تهاجمات بی‌دری به خانه‌ی هواداران و غارت و تخریب آنها و تهدید و اوعاب خانواده‌ی آنان و کسانیکه به هواداری مجاهدین متهم شده‌اند، تا اکنون دو خانواده برای همیشه و هشت خانواده موقتا" تربت حیدریه را ترک کرده‌اند. این مهاجرت‌ها به دلیل آنست که هیچ امنیت و آسایشی در شهر برای آنان وجود ندارد و هیچ مقام انتظامی و

بقیه از صفحه‌ی اول

**در فاجعه‌ی حمله‌ی انحن جوانان مسلمان تربت حیدریه و منازل هواداران چماقداران اقوام و حشی مغول و تاتار را سفید کردند!**

بطور موقت از شهر هجرت کرده‌اند. سرده‌اران جانی و مزدور این جماع بدستان گفتند بودند که هواداران مجاهدین و خانواده‌یایان یا بایستی از عقاید خود توبه کنند و یا شهر را ترک نمایند.

چندی پیش خبر یکی از دیدمشانه‌ترین حلات چماقدارانی اخیر را که مربوط به فاجعه‌ی هجوم وحشیانه‌ی اوپاش چماقدار - انحن جوانان مسلمان تربت - حیدریه و خانه‌های مسکونی مردم و هواداران در این شهر بود و به مجروح شدن بیش از ۵۰۰ تن از هواداران مجاهدین منتهی گردید، در "مجاهد" ( شماره‌های ۸۵ و ۸۶) درج کردیم. در ادامه‌ی این حمله‌ی بی‌رحمانه که در تاریخ ۵۹/۳/۷ به وقوع پیوست، مهاجمین پس از بران کردن ساختمان انحن به تعقیب و ضرب و جرح هواداران و حمله و هجوم به خانه‌ی آنها که از قسمل هیچ سفاکی و زذالت و خناسنی نیز فروگذار نکردند. در این حمله در حمله به خانه‌ی یکی از دبیران هوادار که دبیر زبان انگلیسی است، اوراق امتحانی دانش آموزان را برداشته و به مردم بد عنوان مدارک ارتباط با ترووی معرفی می‌کنند!

یکی از سرده‌اران چماقداران در تربت حیدریه می‌گفت:است: "ما هرچه اینها را می‌زنیم باز زیادتر می‌شوند، لذا باید ریشه‌ی آنها را بکنیم"

بدنیال تهاجمات بی‌دری به خانه‌ی هواداران و غارت و تخریب آنها و تهدید و اوعاب خانواده‌ی آنان و کسانیکه به هواداری مجاهدین متهم شده‌اند، تا اکنون دو خانواده برای همیشه و هشت خانواده موقتا" تربت حیدریه را ترک کرده‌اند. این مهاجرت‌ها به دلیل آنست که هیچ امنیت و آسایشی در شهر برای آنان وجود ندارد و هیچ مقام انتظامی و

حمله به انحن جوانان مسلمان تربت - حیدریه و خانه‌های مسکونی مردم و هواداران در این شهر بود و به مجروح شدن بیش از ۵۰۰ تن از هواداران مجاهدین منتهی گردید، در "مجاهد" ( شماره‌های ۸۵ و ۸۶) درج کردیم. در ادامه‌ی این حمله‌ی بی‌رحمانه که در تاریخ ۵۹/۳/۷ به وقوع پیوست، مهاجمین پس از بران کردن ساختمان انحن به تعقیب و ضرب و جرح هواداران و حمله و هجوم به خانه‌ی آنها که از قسمل هیچ سفاکی و زذالت و خناسنی نیز فروگذار نکردند. در این حمله در حمله به خانه‌ی یکی از دبیران هوادار که دبیر زبان انگلیسی است، اوراق امتحانی دانش آموزان را برداشته و به مردم بد عنوان مدارک ارتباط با ترووی معرفی می‌کنند!

یکی از سرده‌اران چماقداران در تربت حیدریه می‌گفت:است: "ما هرچه اینها را می‌زنیم باز زیادتر می‌شوند، لذا باید ریشه‌ی آنها را بکنیم"

بدنیال تهاجمات بی‌دری به خانه‌ی هواداران و غارت و تخریب آنها و تهدید و اوعاب خانواده‌ی آنان و کسانیکه به هواداری مجاهدین متهم شده‌اند، تا اکنون دو خانواده برای همیشه و هشت خانواده موقتا" تربت حیدریه را ترک کرده‌اند. این مهاجرت‌ها به دلیل آنست که هیچ امنیت و آسایشی در شهر برای آنان وجود ندارد و هیچ مقام انتظامی و

